

شناخته شود این سن است. یا درباره شرط مدرک تحصیلی منظور از مدیر و مدبر، حداقل داشتن کارشناسی ارشد است.

در نهایت در انتهای ماده ۱ ذکر می‌کند که احراز این شرایط بر عهده شورای نگهبان است و بنابراین تفاوت خاصی با وضعیت موجود رخ نداده است.

قسمت دوم، «ماده ۱» شرایط کمی مثل مدرک تحصیلی، عدم سوء پیشینه، عدم اعتیاد را ذکر کرده و نتیجه این اقدام باعث می‌شود یکسری افرادی که به قصد استهزا می‌آیند در مرحله اول حذف شوند؛ بنابراین در ماده ۱ چالش اساسی نداریم و ایراد اساسی گرفته نمی‌شود. البته ایراداتی دارد؛ به طور مثال در بند «ب» که شرایط عمومی هست، سابقه تصدی مقامات را آورده است؛ در حالی که این موضوع ارتباطی به شرایط عمومی ندارد.

در بخش بعدی طرح ارائه معیارها برای رجل سیاسی و مذهبی و مدیر و مدبر بودن و تعریف تابع ایران و ایرانی‌الاصل بودن است که در این رابطه ایراداتی مطرح می‌شود و بیشتر ایرادات درباره مدیر و مدبر و رجل سیاسی و مذهبی بودن مطرح است. دلیل این نقدها این است که این معیارها موضوعات کیفی و ماهوی هستند و شاخص عینی به افراد نمی‌دهند که بر اساس آن ارزیابی صورت دهد. به طور مثال مواردی مانند مدرک تحصیلی مشخص و عینی است؛ اما به طور مثال در «ماده ۲» که بحث رجال مذهبی است معیارها عینی نیست و همواره این سؤال مطرح است که منظور چه افرادی هستند.

برخی معتقدند مواردی که این طرح در رابطه با شرایطی مثل مدیر و مدبر بودن و رجل سیاسی و مذهبی بودن گفته است قابل ارزیابی نیست و دست شورای نگهبان را همچنان به طور کامل باز نگه می‌دارد که بخواهد کسی را تأیید صلاحیت یا عدم تأیید صلاحیت کند.

اگر زمانی بحث اصلاح قانون اساسی مطرح شود به نظر بنده این نوع نگاه به صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری چندان مطلوب نیست؛ اما در حال حاضر در قانون اساسی این مسئله هست و در وضعیت موجود این قانون در حوزه اختیارات شورای نگهبان تغییری ایجاد نکرده است و نمی‌توانیم ایرادی از این جنبه وارد

کنیم.

واقعیت این است که کمی‌سازی برخی موارد امکان ندارد. به طور مثال آیا می‌توان گفت کسی که از دانشگاه تهران مدرک دارد مدیر و مدبر است، اما کسی که از دانشگاه شهرستان فارغ‌التحصیل شده، مدیر و مدبر نیست؟ یا اگر کسی سابقه تصدی یکسری سمت‌هایی را داشت واقعاً رجل سیاسی مذهبی است و کسی که آن‌ها را نداشت رجل مذهبی سیاسی نیست؟

واقعیت این است که ما تنها در این‌گونه شاخص‌ها می‌توانیم حداقل‌هایی را تعیین کنیم و نمی‌توانیم خیلی کمی‌سازی نماییم و تنها می‌توانیم شاخص دهیم. مثلاً شاخص بدهیم رجل مذهبی کسی است که بتواند مذهب را در حد اولیات اثبات کند و نظر ما مثلاً اجتهاد نیست یا بالعکس این موضوع را شاخص اعلام کنیم. یا مثلاً شاخص قرار دهیم کسی مذهبی است که در سوابقی که تا الآن داشته است ما صداقت و عدالت را در رفتار و منش او دیده باشیم.

این طرح در کارگروه تحقق سیاست‌های کلی انتخابات که در دوره قبل مجلس شورای اسلامی تشکیل شد، به صورت مفصل بررسی و چندین مرحله هم بین کمیسیون‌ها و کارگروه‌ها رد و بدل شد. همچنین از نهادهای مختلف نظام دعوت کردند که در رابطه با این طرح و معیارهایی مانند رجل مذهبی سیاسی و مدیر و مدبر بودن نظر و شاخص ارائه دهند، اما نتوانستند کاری کنند؛ زیرا برخی مسائل را نمی‌توان کمی‌سازی کرد.

درباره اینکه چه مسائل و آسیب‌هایی دارد، باید گفت در یک مورد این طرح سابقه تصدی یکسری مقامات را به عنوان شرط ثبت نام مدنظر قرار داده است که به نظر می‌رسد دارای اشکال است. شرط مدرک تحصیلی را هر کس می‌تواند به دست آورد اما اینکه شما حتماً باید سابقه جایگاه و مقام داشته باشید، محدودکننده حقوق اشخاص است. سوابق بررسی‌هایی در این زمینه نشان می‌دهد که شورای نگهبان این موضوع را ایراد می‌گیرد و به روشنی می‌گوید که چنین شرایطی تبعیض نارواست. به عنوان مثال می‌توان فردی را متصور شد که سابقه مقامات نداشته باشد، اما مدیر سیاسی مذهبی باشد، مثلاً مدیر شرکت خیلی بزرگ خصوصی. یکی از ایرادات عمده به این طرح هم ناظر به این مسئله است.

از ایرادات دیگر به این طرح بحث روند رسیدگی به صلاحیت در شورای نگهبان است. شورای نگهبان در قانون فعلی ۱۰ روز فرصت دارد و پنج روز دیگر هم قابل تمدید است که در این طرح به ۱۵ روز که ۵ روز قابل تمدید باشد تبدیل شده است. واقعیت این است که اگر شورای نگهبان بخواهد به صورت دقیق معیارها را مورد توجه قرار دهد در این مدت کم توانایی بررسی دقیق همه کاندیداها را ندارد. در این طرح اعلام شده است که شورای نگهبان سه ماه قبل از ثبت نام انتخابات، نامزدهایی را که در مظان انتخاب شدن هستند دعوت کند و بررسی صلاحیت آن‌ها را انجام دهد که این موضوع هم از لحاظ شکلی و هم از این لحاظ که ماهیت این بررسی مشخص نیست، واجد اشکال است.

در حال حاضر هم کسی مانع اعضای شورای نگهبان نمی‌شود که به صورت غیررسمی صلاحیت کاندیداهای در مظان ریاست جمهوری را بررسی کنند. علاوه بر این ممکن است این تصور را ایجاد کند که شورای نگهبان به افرادی زودتر تعیین تکلیف می‌کند و آن‌ها را در عمل انجام شده قرار می‌دهد و انتخابات را مدیریت می‌کند. مثلاً فرض کنید شورای نگهبان قبل از ثبت نام به فردی که قصد کاندیداتوری دارد، اعلام کند کاندیدا نشوید که رد صلاحیت خواهی شد! البته در جزئیات اشکالات دیگری هم به طرح وارد است، اما کلیت طرح لازم به نظر می‌رسد.

در فضای مجازی نیز درباره ارائه برنامه‌های کاندیدا به شورای نگهبان، ارائه مشاوره... در این طرح نقدهایی صورت می‌گیرد که در پاسخ به آن‌ها لازم است این نکته را مطرح کنم که در واقع این طرح اصلاً نمی‌خواهد به این موضوعات بپردازد. می‌خواهد بگوید شما که می‌خواهید ثبت نام کنید باید حداقل برنامه‌ای برای کشور داشته باشید که از لحاظ کمی و کیفی قابل ارزیابی بوده و قابلیت تحقق داشته باشد. مثلاً کسی که توان ندارد پنج نفر را به عنوان مشاور معرفی کند، توان مدیریت کشور نیز نخواهد داشت. البته در این طرح افرادی از سوی احزاب ملی معرفی می‌شوند، این‌ها استثنا هستند؛ چون احزاب معمولاً حداقل برنامه‌ها را دارند و این اشکال که در فضای مجازی مطرح می‌شود، از نظر بنده وارد نیست.